

مقدمه ای بر اوضاع جغرافیایی شهر سلطانیه

شهر سلطانیه در ۴۷ کیلومتری سمت شرق زنجان قرار گرفته است. این منطقه از شمال به بخش طارم علیا، از غرب به بخش حومه از شهرستان زنجان، از جنوب به شهرستان خدابنده و از شرق به شهرستان ابهر محدود بوده و ۹۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این بخش دارای ۳۳ روستا و ۲۵۷۷۰ نفر جمعیت است. مهمترین وجه مشخصه سلطانیه پس از مسائل مربوط به ارزشهای تاریخی وجود چمن معروف سلطانیه است. این چمن قسمتی از فلات زنجان- ابهر را در برگرفته و از فاصله گرفتن دو رشته ارتفاعات موازی که در جهت شرقی- غربی ممتداند، تشکیل گردیده و دارای ۲۵ کیلومتر مربع وسعت است.

پیشینه تاریخی سلطانیه:

با مطالعات باستان شناسی روشن شده که در داخل چمن سلطانیه شش محوطه باستانی بدین ترتیب وجود دارد. تپه تاریخی یوسف آباد، تپه تاریخی قلعه، محوطه شهر سلطانیه، تپه تاریخی نور، تپه تاریخی چمن. بررسی در عناصر و یافته های اتلال مزبور گویای این واقعیت است که منطقه مزبور از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد تا حمله مغول مورد استفاده اقوام مختلف بوده است. بنابراین قول حمدالله مستوفی که سلطانیه را قبل از حمله مغول غیر مسکون دانسته با تردید مواجه می گردد. به استناد متون تاریخی این منطقه قبل از استقرار مغول شهر ویاژ یا شهر ویاژ نامیده شده است. ولی آنچه که مسلم و روشن است، پس از حمله مغول و استقرار طایفه ای از آنها در این محل آن را قنقور النگ نام گذاری کرده اند.

این منطقه (قنقور النگ) به علل گوناگون در دوره های مختلف ایلخانی مورد توجه و محل یا بیلاق بوده است. سلطانیه ابتداء در دوران ارغون خان (۶۸۳-۶۹۰) به پایتختی انتخاب گردید. سیاستمداران ارغون در انتخاب این محل به پایتختی از نظر سیاسی و سوق الجیشی راه صوابی پیموده اند، زیرا قنقور النگ نسبت به م تصرفات غربی امپراتوری ایلخانی مرکزیت داشت. و از طرف دیگر، با عنایت به اینکه پس از استقرار جانشینان هلاکو، به ویژه اواخر دوران ارغون خان و دوره های غازان خان و اولجایتو که به زور شمشیربندان مغول حکومت نسبتاً واحدی در منطقه بسیار وسیع از رود سند تا فلسطین با ترکیبی از اقوام مختلف و متمدن آن روزی تشکیل یافته بود، خود موجب پیشرفت سریع ارتباطات بازرگانی را فراهم نمود، تقویت و اصلاح جاده های بازرگانی، ایجاد تاسیسات مربوط به راهدارخانه ها، ایجاد انتظام در مناطق و مسیرهای تجاری، تدوین یاساهای چنگیزی به دزدان و قطاع الطریق از عوامل و انگیزه های این جریان اقتصادی است و سیاستی که توانسته حمل و نقل کالاهای مشرق زمین را به اروپا، که از طریق روسیه و دریاچه اورال انجام می پذیرفت از راه امپراطوری ایلخانی عبور دهند در این صورت بود که ایجاد مرکز اقتصادی بسیار قوی و واجد شرایط در منطقه ای از نظر سیاسی پاسخگوی این نیاز باشد، امری لازم و ضروری به نظر می رسد. این منطقه با توجه به ویژگی هایی که بیان گردید محلی بجز قنقور النگ که همانا سلطانیه است نمی تواند باشد. علی ای حال شهر سلطانیه در دوره بنیان گذاران آن پس از تبریز دومین شهر مهم در امپراطوری ایلخانان بوده و از نظر تجارت خارجی نخستین آن به حساب می آمده است. و کلیه مال التجاره به جهت ایجاد تمرکز و اخذ مالیت های مورد لزوم و کنترل آمد و شد، در این شهر تخلیه و بارگیری می شده است. رونق اقتصادی به حدی بوده که گلاویخو سفیر پادشاه اسپانیا در دربار میرانشاه (۸۰۶-۸۰۹ هجری قمری) در

بازدید از سلطانیه بحث مفصلی را در مورد رونق تجاری مطرح نموده است. این شهر از دوبخش کهندژ و شارسدان تشکیل یافته و آن در بخش پر ۲۰۰ هکتار بوده است. عناصر تشکیل دهنده این شهر عظیم اسلامی به علل گوناگون جغرافیایی سیاسی از میان رفته تنها با مدارک باستانشناسی می توان به بازشناسی آن توفیق یافت. به استناد متون تاریخی این شهر به کاروانسراهای زیبا و اقامتگاه های عمومی مجهز بوده تا سرویس مناسب را از نظر پذیرایی و اقامت عرضه نماید.

#### سبب ایجاد گنبد سلطانیه

اولجایتو پس از طرح سلطانیه تصمیم گرفت که به تقلید از آرامگاه برادرش غازان خان ، آرامگاه رفیع و باشکوهی برای خود بسازد به همین جهت برای برپائی این آرامگاه ، هنرمندان از هر سو به سلطانیه آمدند تا یکی از شاهکارهای عظیم دوره مغول را به عرصه ظهور برسانند .

بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ هجری قمری ( روایتی ) بر اساس طرح آرامگاه غازان خان که آن نیز از بنای آرامگاه سلطان سنجر در ( مرو ) الهام گرفته ، ساخته شده بود با این تفاوت که پلان آرامگاه سلطان سنجر مربع و پلان گنبد سلطانیه هشت ضلعی است اگر چه تا حد زیادی معماری آرامگاه سلطان سنجر در بنای سلطانیه تاثیر گذاشته بود لیکن چیزهای ابتکاری در بنای اخیر بحدی است که آنرا بصورت یکی از شاهکارهای هنر و معماری ایران درآورده است که بعدها نمونه و الگویی بای احداث تعداد زیادی از ابنیه این دوره شد همچنین معماری گنبد سلطانیه را شخصی به نام سید علی شاه انجام داده است .

نا به قولی، بر اثر تشویق و ترغیب علما و روحانیون بزرگ شیعه که در آن زمان در دستگاه حکومتی صاحب منزلتی بودند، اولجایتو مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی پذیرفت و بعد از مدتی تصمیم که آرامگاه خود را به ائمه اطهار اختصاص دهد. بدین منظور قصد انتقال اجساد مطهر آنان (حضرت علی (ع) و امام حسین (ع)) را به سلطانیه داشت تا بر رونق تجاری و اهمیت مذهبی پایتخت جدید التایس خود بیفزاید لذا دستور داد تا تزئینات داخلی بنا که تا آن روز انجام نگرفته بود طوری بپردازند که در آن شعائر مذهب تشیع یخوبی مورد استفاده قرار گیرد بهمین جهت بود که کلمه «علی» به طور مکرر با کاشی در متن اجر نوشته شده است.

انتقال اجساد مطهر ائمه بخاطر مخالفت شدید علمای شیعه یا بقولی خواب سلطان مکه حضرت علی بن ابی طالب را ناراضی دیده بود و آن حضرت از این عمل ناراضی بود انجام نگرفت و منصرف شد.

بنابراین سلطان ایلخان مصمم شد که دوباره این بنا را به آرامگاهی برای خود اختصاص دهد. به نظر می رسد که در همین ایام از مذهب تشیع برگشت و مذهب اهل سنت را اختیار کرد. شاید به همین منظور بود که دستور داد تمام تزئینات معرق کاری که کلمه «علی» (ع) بر آن نقش بسته بود، و تمام تزئینات آجری کاشیکاری و گره سازی را با پوشش از گچ اندودند و روی آن پوشش را با کتیبه و اشکال مختلف هندسی طرحهای گل و بوته دار با رنگ آبی بر زمینه سفید گچبری کردند که این عمل احتمالا در سال ۷۱۳ رخ داده اولجایتو در سال ۷۱۶ هـ. یعنی تقریبا چهار سال بعد از اتمام بنا در سن ۳۶ سالگی در گذشت و جسد وی در تابوتی از زرناب در آرامگاه ابدیش دفن شد.

معماری

گنبد سلطانیه در دوره بر پایی مرتفعترین بنای جهان بوده و هم اکنون نیز یکی از عظیم ترنی بناهای تاریخی جهان به شمار می رود. این بنا قسمتی از مجموعه عظیمی است که به ابواب البر مشهور بوده و شامل دارالشفاء، بیت القانون، بیت الحکمه، دارالباده و ... این بنا در قوم هم کف با فضاهای جانبی آرامگاه دارای پلام مربع مستطیل بوده و ادامه مجموعه در طبقات هشت ضلعی متمایل به منتظم است.

این گنبد از سه فضای گنبد خانه تربت خانه، سردابه تشکیل شده و از نظر حجمی و ترکیب فضا آئین تدفین مغول که در دو مرحله انجام می گرفت مطابقت داده و آن را با معماری ترکیبی از مراسم تدفین مغول تبیین نمود با توجه به این طرز تفکر خانه محل عزاداری به جسد سردابه محل نگهداری و تدفین جسد و تربت خانه فضای مسقف بالای سردابه می باشد ورودی اصلی آرامگاه اولجایتو در ایوان های شمال شرقی و شمال غربی تعبیه شده و کاربرد ایوانهای شمالی شرقی و غربی پنجره می باشند پلان گنبد خانه متمایل به هشت ضلعی منتظم و طول هر یک از اضلاع از ۱۰/۰۶ تا ۱۰/۱۶ متر متغیر است.

قطر گنبد خانه ۲۴/۴۰ متر می باشد در این فضا ۸ جرز سنگین با عرض ۶/۳۲ تا ۷/۲۵ متر با سطح مقطع ۵۰ متر مربع قرار گرفته و مهمترین وجه مشخصه تحول معماری از دوران سلجوقی به دوران ایلخانی را نمایش می دهد. در حد فاصل این جرزها ایوانها و بنائی در دو طبقه اجرا گردیده و ارتفاع طبقه همکف از رقوم ۹/۷ متر و ارتفاع طبقه اول از رقوم هم کف ۱۹/۷۰ متر قابل اندازه گیری می باشد و کف این فضا با استفاده از سنگ رخام سفید مفروشی یوده است.

قوس ایوانها در این فضا پنج و هفت تند است. در منتهی الیه این قوسها کتیبه هایی با متن احادیث نبوی در آن نوشته شده و پس مقرنس کاری زیبایی که وظیفه ترمیمها بر آن

محول شده پلان هشت ضلعی را به پلان دایره تبدیل نموده و زمینه اجرا گنبد را فراهم آورده است.

دومین فضای مورد بحث آرامگاه اولجایتو فضای موسوم به تربت خانه می باشد این فضا به شکل مستطیل با طول ضلع  $17/60$  متر و عرض  $7/8$  متر و با ارتفاع  $16$  متر، محراب مجموعه را در جرز جنوبی در خود جای داده است پوشش سقف تربت خانه از سه واحد طاق و تویزه ساخته شده قطر طاق وسطی که بزرگتر است  $9$  متر و طاقهای طرفین  $3$  متر قابل اندازه گیری می باشد در ارتفاع  $3/0$  متری از کف در گرداگرد آن کتیبه ای در دو قلم ریز به خط کوفی مشجر و قلم درشت به خط ثلث نوشته شده و اطراف کلمات را تزئینات اسلیمی پرنموده اتس. بین تربت خانه و محوطه زیر گنبد پنجره بزرگی از مس طلا قرار داشت که به مرور زمان از بین رفته و یا به غارت برده شده است.

سردابه سومین فضایی است که با ترکیب فضاهای مذکور افاده معنی می نماید این فضا محل قبر اصلی می باشد ورودی سردابه در ایوان جنوبی تربت خانه قرار دارد و با تعبیر  $9$  پله به پهنای  $250$  سانتیمتر می رسد در وسط این فضا محل قبر و در طرفین آن دو فضای کوچک جهت استقرار نگهبانان جلوگیری از ورود ارواح خبیثه تعبیه شده بررسی ترکیب فضایی این سردابه و ارتباط آن با کل مجموعه و قابل مقایسه نبودن آن با سایر بناهای آرامگاهی می توان چنین استنتاج نمود که این آرامگاه بر اساس بینش مغول بویژه ائین شمنیت ساخته شده باشد. گنبد آرامگاه اولجایتو بزرگترین نوع خود در بناهای تاریخی ایران با ارتفاع  $48/50$  متر و قطر دهانه  $24/40$  متر و با ضخامت  $160$  سانتیمتر با روش دو پوششی ساخته شده و فضای خالی بین دو پوسته  $60$  سانتیمتر می باشد.

## اهمیت تشخیص زمان در گنبد سلطانیه

مقید بودن مسلمانان به اهمیت تشخیص زمان برای انجام مراسم مذهبی را می توان سبب ایجاد ساعت آفتابی در اسکلت این بنا داشت باین طریق که اگر از سوراخ گنبد اصلی بتابد زمان اذان ظهر است نوری که از پنجره های بزرگ می تابد بین ساعت و نور پنجره های کوچک حدود دقیقه را مشخص می ساخت به احتمالی طرح ۸ ضلعی بنا نیز به خاطر ایجاد چنین ساعتی بوده در شب هم به یاری برخی از ستاره ها از این پنجره ها دیده می شدند زمان را مشخص می کردند.

## پلکانها

در بین حرزهای هشت گانه پلکانهای مارپیچی وجود دارد که طبقه زیرین را به طبقات دوم و غرفه های خارجی و مناره های هشتگانه متصل می کند لازم به تذکر است که این پلکانها همه از پایین شروع نمی شود بلکه فقط دو پلکان دیگر در نمای خارجی ولقعه شده است.

پلکانهای زوایای شمالی به طبقه دوم راه می یابد و پلکان سوم بدون اتصال به طبقه دوم بسوی بالا ادامه پیدا می کند. پلکانهای هشتگانه از طبقه سوم (غرفه های خارجی) ظاهر شده و تا امتداد مناره های هشتگانه صعود می نماید.

## ایوانها

همانطور که در فوق اشاره شد بر اضلاع هشتگانه پلان داخلی ۸ ایوان رفیع و وسیع به ارتفاع ۱۸/۸۰ و به عرض ۷/۷۰ متر واقع شده اند. این ایوانها یکنواختی حاصل از وجود جرزهای قطور، را از بین برده و باعث شده که بنا زمخت جلوه ننماید. این ایوانها در

عمق ۲/۶۰ و ارتفاع ۹ متری به دو طبقه تقسیم شده است.. در طبقه اول یا همکف ورودی های اصلی و ورودی ها کوچک فرعی به محوطه های عبادتی قرار دارند.

ایوان جنوبی متصل به محوطه ای بنام تربت خانه است که در صفحات آینده شرح آن داده خواهد شد. ایوانهای شرقی و غربی در انتها دارای درهای بزرگ می باشد. در حالیکه در انتهای طبقه اول ایوانهای فرعی بک در کوچک وجود دارد. سقف طبقه اول دارای قندیل بندی و مقرنسکاری بسیار جالب و زیبا می باشد

طبقه دوم این بخش بوسیله راهروی پوشیده ای با هم در ارتباطند. بطوری که م بتوان در این طبقه تمامی بنا را دور زد در غرفه های طبقه دوم انواع تزئینات و مقرنسکاریهای ارزنده ای دیده می شود که نشانگر ذوق و سلیقه و دقت هنرمندان دوره ایلخانیان است. یکی از خصوصیات اصلی و منحصر بفرد در گنبد سلطانیه دو جداره بودن آن است که از دو قشر موازی و مجزا که صرفا با پشت پیندهای آجری بین خود بهم مربوط بوده و همچنین فرم واحدی را شامل می شوند تشکیل شده است. و این تنها نمونه در مورد گنبد هائی با وضع ساختمانی فوق الذکر محسوب می شود و به نظر اینجانب نمی توان نمونه ای با وضع ساختمانی فوق الذکر در دنیا یافت که متعلق به قبل از بنای مزبور باشد. و از این رو گنبد فوق اهمیت شایانی را در تاریخ معماری دنیا داراست بطوریکه مدتها بعد از ساختمان گنبد سلطانیه چه در غرب و چه در شرق رفته رفته آثاری با خصوصیات تکنیکی فوق بوجود می آید. از جگله مهمترین آثاری که به تقلید از گنبد سلطانیه احداث شده گنبد کلیسای سانتاماریا دلفیوره می باشد که بیش از صد سال بعد از آن ساخته شده است

مقدمه ای بر اوضاع جغرافیایی شهر سلطانیه



شهر سلطانیه در ۴۷ کیلومتری سمت شرق زنجان قرار گرفته است. این منطقه از شمال به بخش طارم علیا، از غرب به بخش حومه از شهرستان زنجان، از جنوب به شهرستان خدابنده و از شرق به شهرستان ابهر محدود بوده و ۹۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این بخش دارای ۳۳ روستا و ۲۵۷۷۰ نفر جمعیت است. مهمترین وجه مشخصه سلطانیه پس از مسائل مربوط به ارزشهای تاریخی وجود چمن معروف سلطانیه است. این چمن قسمتی از فلات زنجان- ابهر را در برگرفته و از فاصله گرفتن دو رشته ارتفاعات موازی که در جهت شرقی- غربی ممتداند، تشکیل گردیده و دارای ۳۵ کیلومتر مربع وسعت است.

### پیشینه تاریخی سلطانیه:

با مطالعات باستان شناسی روشن شده که در داخل چمن سلطانیه شش محوطه باستانی بدین ترتیب وجود دارد. تپه تاریخی یوسف آباد، تپه تاریخی قلعه، محوطه شهر سلطانیه، تپه تاریخی نور، تپه تاریخی چمن. بررسی در عناصر و یافته های اتلال مزبور گویای این واقعیت است که منطقه مزبور از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد تا حمله مغول مورد استفاده اقوام مختلف بوده است. بنابراین قول حمدالله مستوفی که سلطانیه را قبل از حمله مغول غیر مسکون دانسته با تردید مواجه می گردد. به استناد متون تاریخی این منطقه قبل از استقرار مغول شهر ویاژ یا شهر ویاژ نامیده شده است. ولی آنچه که مسلم و روشن است، پس از حمله مغول و استقرار طایفه ای از آنها در این محل آ « را قنقور النگ نام گذاری کرده اند.

این منطقه (قنقور النگ) به علل گوناگون در دوره های مختلف ایلخانی مورد توجه و محل یا یلاق بوده است. سلطانیه ابتداء در دوران ارغون خان (۶۸۳-۶۹۰) به پایتختی انتخاب

گردید. سیاستمداران ارغون در انتخاب این محل به پایتختی از نظر سیاسی و سوق الجیشی راه صوابی پیموده اند، زیرا قنقور النگ نسبت به م تصرفات غربی امپراتوری ایلخانی مرکزیت داشت. و از طرف دیگر، با عنایت به اینکه پس از استقرار جانشینان هلاکو، به ویژه اواخر دوران ارغون خان و دوره های غازان خان و اولجایتو که به زور شمشیربندان مغول حکومت نسبتاً واحدی در منطقه بسیار وسیع از رود سند تا فلسطین با ترکیبی از اقوام مختلف و متمدن آن روزی تشکیل یافته بود، خود موجب پیشرفت سریع ارتباطات بازرگانی را فراهم نمود، تقویت و اصلاح جاده های بازرگانی، ایجاد تاسیسات مربوط به راهدارخانه ها، ایجاد انتظام در مناطق و مسیرهای تجاری، تدوین یاساهای چنگیزی به دزدان و قطاع الطریق از عوامل و انگیزه های این جریان اقتصادی است و سیاستی که توانسته حمل و نقل کالاهای مشرق زمین را به اروپا، که از طریق روسیه و دریاچه اورال انجام می پذیرفت از راه امپراطوری ایلخانی عبور دهند در این صورت بود که ایجاد مرکز اقتصادی بسیار قوی و واجد شرایط در منطقه ای از نظر سیاسی پاسخگوی این نیاز باشد، امری لازم و ضروری به نظر می رسد. این منطقه با توجه به ویژگی هایی که بیان گردید محلی بجز قنقور النگ که همانا سلطانیه است نمی تواند باشد. علی ای حال شهر سلطانیه در دوره بنیان گذاران آن پس از تبریز دومین شهر مهم در امپراطوری ایلخانان بوده و از نظر تجارت خارجی نخستین آن به حساب می آمده است. و کلیه مال التجاره به جهت ایجاد تمرکز و اخذ مالیت های مورد لزوم و کنترل آمد و شد، در این شهر تخلیه و بارگیری می شده است. رونق اقتصادی به حدی بوده که گلاویخو سفیر پادشاه اسپانیا در دربار میرانشاه (۸۰۶-۸۰۹ هجری قمری) در بازدید از سلطانیه بحث مفصلی را در مورد رونق تجاری مطرح نموده است. این شهر از دوبخش کهندژ و شارستان تشکیل یافته و آن در بخش پر ۲۰۰ هکتار بوده است.

عناصر تشکیل دهنده این شهر عظیم اسلامی به علل گوناگون جغرافیایی سیاسی از میان رفته تنها با مدارک باستانشناسی می توان به بازشناسی آن توفیق یافت. به استناد متون تاریخی این شهر به کاروانسراهای زیبا و اقامتگاه های عمومی مجهز بوده تا سرویس مناسب را از نظر پذیرایی و اقامت عرضه نماید.

### سبب ایجاد گنبد سلطانیه

اولجایتو پس از طرح سلطانیه تصمیم گرفت که به تقلید از آرامگاه برادرش غازان خان ، آرامگاه رفیع و باشکوهی برای خود بسازد به همین جهت برای بر پائی این آرامگاه ، هنرمندان از هر سو به سلطانیه آمدند تا یکی از شاهکارهای عظیم دوره مغول را به عرصه ظهور برسانند .

بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ هجری قمری ( روایتی ) بر اساس طرح آرامگاه غازان خان که آن نیز از بنای آرامگاه سلطان سنجر در ( مرو ) الهام گرفته ، ساخته شده بود با این تفاوت که پلان آرامگاه سلطان سنجر مربع و پلان گنبد سلطانیه هشت ضلعی است اگر چه تا حد زیادی معماری آرامگاه سلطان سنجر در بنای سلطانیه تاثیر گذاشته بود لیکن چیزهای ابتکاری در بنای اخیر بحدی است که آنرا بصورت یکی از شاهکارهای هنر و معماری ایران درآورده است که بعدها نمونه و الگوئی بای احداث تعداد زیادی از ابنیه این دوره شد همچنین معماری گنبد سلطانیه را شخصی به نام سید علی شاه انجام داده است .

نا به قولی، بر اثر تشویق و ترغیب علما و روحانیون بزرگ شیعه که در آن زمان در دستگاه حکومتی صاحب منزلتی بودند، اولجایتو مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی پذیرفت و بعد از مدتی تصمیم که آرامگاه خود را به ائمه اطهار اختصاص دهد. بدین

منظور قصد انتقال اجساد مطهر آنان (حضرت علی (ع) و امام حسین (ع)) را به سلطانیه داشت تا بر رونق تجاری و اهمیت مذهبی پایتخت جدید التایس خود بیفزاید لذا دستور داد تا تزئینات داخلی بنا که تا آن روز انجام نگرفته بود طوری بپردازند که در آن شعائر مذهب تشیع یخوبی مورد استفاده قرار گیرد بهمین جهت بود که کلمه «علی» به طور مکرر با کاشی در متن اجر نوشته شده است.

انتقال اجساد مطهر ائمه بخاطر مخالفت شدید علمای شیعه یا بقولی خواب سلطان مکه حضرت علی بن ابی طالب را ناراضی دیده بود و آن حضرت از این عمل ناراضی بود انجام نگرفت و منصرف شد.

بنابراین سلطان ایلیخان مصمم شد که دوباره این بنا را به آرامگاهی برای خود اختصاص دهد. به نظر می رسد که در همین ایام از مذهب تشیع برگشت و مذهب اهل سنت را اختیار کرد. شاید به همین منظور بود که دستور داد تمام تزئینات معرق کاری که کلمه «علی» (ع) بر آن نقش بسته بود، و تمام تزئینات آجری کاشیکاری و گره سازی را با پوشش از گچ اندودند و روی آن پوشش را با کتیبه و اشکال مختلف هندسی طرحهای گل و بوته دار با رنگ آبی بر زمینه سفید گچبری کردند که این عمل احتمالا در سال ۷۱۳ رخ داده اولجایتو در سال ۷۱۶ هـ. یعنی تقریبا چهار سال بعد از اتمام بنا در سن ۲۶ سالگی در گذشت و جسد وی در تابوتی از زرناب در آرامگاه ابدیش دفن شد.

## معماری

گنبد سلطانیه در دوره بر پایی مرتفعترین بنای جهان بوده و هم اکنون نیز یکی از عظیم ترنی بناهای تاریخی جهان به شمار می رود. این بنا قسمتی از مجموعه عظیمی است که به ابواب البر مشهور بوده و شامل دارالشفاء، بیت القانون، بیت الحکمه، دار الباده و ...

این بنا در قوم هم کف با فضاهای جانبی آرامگاه دارای پلام مربع مستطیل بوده و ادامه مجموعه در طبقات هشت ضلعی متمایل به منتظم است.

این گنبد از سه فضای گنبد خانه تربت خانه ، سردابه تشکیل شده و از نظر حجمی و ترکیب فضا آئین تدفین مغول که در دو مرحله انجام می گرفت مطابقت داده و آن را با معماری ترکیبی از مراسم تدفین مغول تبیین نمود با توجه به این طرز تفکر خانه محل عزاداری به جسد سردابه محل نگهداری و تدفین جسد و تربت خانه فضای مسقف بالای سردابه می باشد ورودی اصلی آرامگاه اولجایتو در ایوان های شمال شرقی و شمال غربی تعبیه شده و کاربرد ایوانهای شمالی شرقی و غربی پنجره می باشند پلان گنبد خانه متمایل به هشت ضلعی منتظم و طول هر یک از اضلاع از ۱۰/۰۶ تا ۱۰/۱۶ متر متغیر است .

قطر گنبد خانه ۲۴/۴۰ متر می باشد در این فضا ۸ جرز سنگین با عرض ۶/۳۲ تا ۷/۲۵ متر با سطح مقطع ۵۰ متر مربع قرار گرفته و مهمترین وجه مشخصه تحول معماری از دوران سلجوقی به دوران ایلخانی را نمایش می دهد. در حد فاصل این جرزها ایوانها و بنائی در دو طبقه اجرا گردیده و ارتفاع طبقه همکف از رقوم ۹/۷ متر و ارتفاع طبقه اول از رقوم هم کف ۱۹ /۷۰ متر قابل اندازه گیری می باشد و کف این فضا با استفاده از سنگ رخام سفید مفروشی بوده است.

قوس ایوانها در این فضا پنج و هفت تند است. در منتهی الیه این قوسها کتیبه هایی با متن احادیث نبوی در آن نوشته شده و پس مقرنس کاری زیبایی که وظیفه ترمیمها بر آن محول شده پلان هشت ضلعی را به پلان دایره تبدیل نموده و زمینه اجرا گنبد را فراهم آورده است.

دومین فضای مورد بحث آرامگاه اولجایتو فضای موسوم به تربت خانه می باشد این فضا به شکل مستطیل با طول ضلع  $17/60$  متر و عرض  $7/8$  متر و با ارتفاع  $16$  متر، محراب مجموعه را در جز جنوبی در خود جای داده است پوشش سقف تربت خانه از سه واحد طاق و تویزه ساخته شده قطر طاق وسطی که بزرگتر است  $9$  متر و طاقهای طرفین  $3$  متر قابل اندازه گیری می باشد در ارتفاع  $3/0$  متری از کف در گرداگرد آن کتیبه ای در دو قلم ریز به خط کوفی مشجر و قلم درشت به خط ثلث نوشته شده و اطراف کلمات را تزئینات اسلیمی پرنموده اتس. بین تربت خانه و محوطه زیر گنبد پنجره بزرگی از مس طلا قرار داشت که به مرور زمان از بین رفته و یا به غارت برده شده است.

سردابه سومین فضایی است که با ترکیب فضاهاى مذکور افاده معنی می نماید این فضا محل قبر اصلی می باشد ورودی سردابه در ایوان جنوبی تربت خانه قرار دارد و با تعبیر  $9$  پله به پهنای  $250$  سانتیمتر می رسد در وسط این فضا محل قبر و در طرفین آن دو فضای کوچک جهت استقرار نگهبانان جلوگیری از ورود ارواح خبیثه تعبیه شده بررسی ترکیب فضایی این سردابه و ارتباط آن با کل مجموعه و قابل مقایسه نبودن آن با سایر بناهای آرامگاهی می توان چنین استنتاج نمود که این آرامگاه بر اساس بینش مغول بویژه ائین شمنیت ساخته شده باشد. گنبد آرامگاه اولجایتو بزرگترین نوع خود در بناهای تاریخی ایران با ارتفاع  $48/50$  متر و قطر دهانه  $24/40$  متر و با ضخامت  $160$  سانتیمتر با روش دو پوششی ساخته شده و فضای خالی بین دو پوسته  $60$  سانتیمتر می باشد.

**اهمیت تشخیص زمان در گنبد سلطانیه**

مقید بودن مسلمانان به اهمیت تشخیص زمان برای انجام مراسم مذهبی را می توان سبب ایجاد ساعت آفتابی در اسکلت این بنا داشت باین طریق که اگر از سوراخ گنبد اصلی بتابد زمان اذان ظهر است نوری که از پمجره های بزرگ می تابد بین ساعت و نور پنجره های کوچک حدود دقیقه را مشخص می ساخت به احتمالی طرح ۸ ضلعی بنا نیز به خاطر ایجاد چنین ساعتی بوده در شب هم به یاری برخی از ستاره ها از این پنجره ها دیده می شدند زمان را مشخص می کردند.

### پلکانها

در بین حرزهای هشت گانه پلکانهای مارپیچی وجود دارد که طبقه زیرین را به طبقات دوم و غرفه های خارجی و مناره های هشتگانه متصل می کند لازم به تذکر است که این پلکانها همه از پایین شروع نمی شود بلکه فقط دو پلکان دیگر در نمای خارجی ولقع شده است.

پلکانهای زوایای شمالی به طبقه دوم راه می یابد و پلکان سومی بدون اتصال به طبقه دوم بسوی بالا ادامه پیدا می کند. پلکانهای هشتگانه از طبقه سوم (غرفه های خارجی) ظاهر شده و تا امتداد مناره های هشتگانه صعود می نمایند.

### ایوانها

همانطور که در فوق اشاره شد بر اضلاع هشتگانه پلان داخلی ۸ ایوان رفیع و وسیع به ارتفاع ۱۸/۸۰ و به عرض ۷/۷۰ متر واقع شده اند. این ایوانها یکنواختی حاصل از وجود جرزهای قطور، را از بین برده و باعث شده که بنا زمخت جلوه ننماید. این ایوانها در عمق ۲/۶۰ و ارتفاع ۹ متری به دو طبقه تقسیم شده است.. در طبقه اول یا همکف ورودی های اصلی و ورودی ها کوچک فرعی به محوطه های عبادتی قرار دارند.

ایوان جنوبی متصل به محوطه ای بنام تربت خانه است که در صفحات آینده شرح آن داده خواهد شد. ایوانهای شرقی و غربی در انتها دارای درهای بزرگ می باشد. در حالیکه در انتهای طبقه اول ایوانهای فرعی بک در کوچک وجود دارد. سقف طبقه اول دارای قندیل بندی و مقرنسکاری بسیار جالب و زیبا می باشد

طبقه دوم این بخش بوسیله راهروی پوشیده ای با هم در ارتباطند. بطوری که می توان در این طبقه تمامی بنا را دور زد در غرفه های طبقه دوم انواع تزئینات و مقرنسکاریهای ارزنده ای دیده می شود که نشانگر ذوق و سلیقه و دقت هنرمندان دوره ایلخانیان است.

یکی از خصوصیات اصلی و منحصر بفرد در گنبد سلطانیه دو جداره بودن آن است که از دو قشر موازی و مجزا که صرفا با پشت بیند های آجری بین خود بهم مربوط بوده و همچنین فرم واحدی را شامل می شوند تشکیل شده است. و این تنها نمونه در مورد گنبد هائی با وضع ساختمانی فوق الذکر محسوب می شود و به نظر اینجانب نمی توان نمونه ای با وضع ساختمانی فوق الذکر در دنیا یافت که متعلق به قبل از بنای مزبور باشد. و از این رو گنبد فوق اهمیت شایانی را در تاریخ معماری دنیا داراست بطوریکه مدتها بعد از ساختمان گنبد سلطانیه چه در غرب و چه در شرق رفته رفته آثاری با خصوصیات تکنیکی فوق بوجود می آید. از جمله مهمترین آثاری که به تقلید از گنبد سلطانیه احداث شده گنبد کلیسای سانتاماریا دلفیوره می باشد که بیش از صد سال بعد از آن ساخته شده است

سابقه تاریخی احداث گنبد به استناد کتیبه ها:



سرتاسر داخل گنبد سلطانیه پوشیده از کتیبه های مختلفی است که با رنگ روی گچ ترسیم شده است. در سالهای مختلف بعد از سال ۱۳۵۰ قسمتهایی از گچ روی دیوار توسط کارشناسان ایتالیایی از جای خود برداشته شد و در جعبه های بزرگ قرار داده شد و پس از برداشتن گچ، تزئینات اصلی آجری گنبد نمایان شد.

در ارتباط با زمان ایجاد تزئینات روی گچ میان متخصصان هنر اسلامی اختلاف وجود دارد که در چه زمانی این تزئینات گچی بر روی تزئینات اصلی کار گذاشته اند.

پروفسور پیروسن پائولزی در گزارشات پروژه مرمت مسجد و آرامگاه سلطان محمد خدابنده اشاره می کند که در گنبد سلطانیه کلاسه دوره تزئینات دیده می شود که دوره اول مربوط به اصل بنا که با تزئینات کاشیکاری بوده یک دوره تزئینات با کاشی شش گوش که از کف تا ارتفاع حدود سه متری را زینت داده و دوره سوم تزئینات گچ کاری که روی تزئینات اصلی گنبد انجام گرفته است.

در واقع در گنبد سلطانیه دو دوره تزئینات دیده می شود که دوره اول مربوط به تزئینات اصلی گنبد و دوره دوم مربوط به گچ کاری روی این تزئینات منتهی قسمت پایین گنبد در دسترس همگان بوده (از کف زمین تا حدود ارتفاع سه متر) آن قسمت به جای گچ کاری (که با دست زدن به مرور زمان آسیب می بیند) با کاشی شش گوش پوشانده اند یعنی گچ کاری روی تزئینات اصلی گنبد و کاشی کاری شش گوش پایین گنبد هم زمان انجام شده است.

در مطالعه کتیبه های گنبد سلطانیه به دو تاریخ متعلق به دوره اصلی ساخت گنبد بر می خوریم که تاریخ اول سال ۷۱۰ هجری قمری است و بر روی سر در شرقی بیرون گنبد قرار دارد. این تاریخ زمان پایان ساختمان گنبد با تزئینات بیرون آن و بدون تزئینات داخل گنبد می باشد. تاریخ دوم سال ۷۱۳ هجری قمری در قوس طبقه دوم ایوان شرقی

داخل گنبد دیده می شود که تقریباً نشانه پایان تزئینات کاشیکاری داخل گنبد است (پایان کل تزئینات دوره اول با توجه به قسمت باقی مانده بنا از طبقه دوم ایوان که دارای تاریخ ۷۱۳ هجری قمری تا بالاترین نقطه داخل گنبد، احتمالاً مدت کوتاهی بوده است چون که جشن افتتاح گنبد به استناد کتاب تاریخ اولجایتو روز ۱۲ ربیع الاخر سال ۷۱۳ هـ ق بوده است.

مدارک زیاد در گنبد وجود دارد که ثابت می کند شروع تزئینات دوره دوم نیز در زمان سلطان محمد اولجایتو انجام گرفته است و شروع آن باید همزمان با شروع وزارت تاج الدین علیشاه در سال ۷۱۵ هـ ق بوده باشد. این وزیر پس از نشستن بر مسند وزارت جهت ارائه کار چشمگیر، به تزئین گنبد پرداخت و ساختمان تربتخانه را نیز به آن اضافه کرد. پایان این تزئینات بدون شک پس از مرگ اولجایتو و در زمان ابوسعید بهادرخان انجام گرفته چون که در داخل گنبد لقب ابوسعید بهادرخان که علاءالدوله می باشد. در زیر حاشیه بالکنهای حد فاصل طبقه اول و دوم موجود است.

مهمترین مدرکی که ثابت می کند گچ کاری روی تزئینات اصلی گنبد در زمان خود اولجایتو انجام گرفته، کتیبه ای است که اکنون در تربت خانه گنبد نگاهداری می شود که نام سلطان محمد در این کتیبه آمده و بعد از آن جمله:

مدالله ظلله و نصر نجله

(خداوند سایه او را گسترده کند و فرزندش را پیروز گرداند) آمده که این جمله ثابت می کند که سلطان محمد اولجایتو در زمان گچ کاری روی تزئینات اصلی گنبد زنده بوده است.

وجود جمله سلطان محمد اولجایتو که دهها بار در حاشیه چند ایوان تکرار شده است از جمله مدارکی است که این موضوع را ثابت می‌کند. بعید به نظر می‌رسد که سلطانی دیگر تزئینات در گنبد ایجاد کند و نام سلطان اولجایتو را آن هم دهها بار بر آن تکرار کند.

وجود نام تاج الدین علیشاه وزیر معروف اولجایتو و ابوسعید و با عنوان الدستور الاکرم المفخم در قسمت بالای طاق ایوانها بر روی گچ ثابت می‌کند که مخارج این تزئینات به عهده این وزیر بوده است (کل کتیبه ای که نام تاج الدین در آن آمده به علت پاک شدن قسمت اعظم رنگ روی آن هنوز خوانده نشده). با توجه به مدرک اول که نام سلطان محمد بر روی گچ آمده، ثابت می‌شود که تاج الدین علیشاه این کار را در زمان اولجایتو آغاز نموده است.

در سراسر گنبد آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و کلمات قصار حضرت علی (ع) دیده می‌شود اما در طبقه دوم ایوان جنوب غربی برای اولین برخورد می‌کنیم با یک دایره یکه داخل آن با خط کوفی نوشته شده اللهم اشفنا بشفائک و داونا بداوئک که معنی آن (خداوندا ما را به شفای خود شفا ده و به دوی خود ما را مداوا فرما) که بدون شک در ارتباط با مریض بودن اولجایتو است و در همان ایوان برای اولین بار با آیه ای در ارتباط با مرگ روبرو می‌شویم که با رنگ قرمز آیه کل من علیها فان چندین بار تکرار شده است. وجود این آیه بدون شک نشانه درگذشت سلطان اولجایتو بوده است و می‌توان گفت که تا این قسمت ایجاد تزئینات روی گچ در زمان اولجایتو بوده است و ادامه کار مربوط به زمان ابوسعید بهادرخان می‌باشد.

چنانچه معروف است سلطان محمد خدابنده پیرو شیعه بوده ولی در اواخر زمامداریش پیرو اهل تسنن شد. روی گچ کاری دوره دوم طالب زیادی به چشم می‌خورد که ثابت می‌کند سلطانی که در زمان دوره دوم تزئینات گنبد، حکومت می‌کرد، پیرو اهل تسنن

بوده است. عنوان کردن اینکه تزئینات دوره دوم در زمان دوره صفویه ایجاد شده، به علت شیعه بودن این سلسله این موضع را به کلی منتفی میکند. یکی از زمدارکی که دال بر سنی بودن حاکم وقت وجود احادیث زیاد از حضرت علی (ع) بر روی گچ است که هر جا نام حضرت علی (ع) آمده به دنبال آن جمله کرم الله وجهه نوشته شده است. این جمله توسط اهل تسنن همیشه بعد از نام حضرت علی (ع) بکار می رود زیرا آن حضرت بر هیچ صنمی سجده و تعظیم نکرده است، در حالی که برای بقیه خلفا و صحابه و تابعین از جمله رضی الله عنه استفاده می شود. (این کتیبه تلفیق شده از دو خط در یک کتیبه که قسمت پایین با خط ثلث سوره الملک نوشته شده و روی حروف این سوره در قسمت بالا با خط کوفی احادیثی از حضرت علی (ع) آمده است.) و نیز بر روی گچ کاری داخل گنبد که یک تکه از آن گچها قبلا از جای اصلی خود جدا کردند و اکنون در تربتخانه موجود است. از موارد دیگری که ثابت می کند در زمان تزئینات دوره دوم سلطان وقت پیرو اهل تسنن بوده، وجود نامهای ابوبکر، عمر، عثمان است. بر روی گچ و یا خط کوفی در حاشیه گلهای طاقها منعکس شده است و در حاشیه آن گلهای نام علی، حسن، حسین نیز آمده است. (تصویر ۲۵) / ۲۵

در بعضی متون عنوان شده است که علت پوشاندن اصلی گنبد، شیعه بودن اولجایتو بوده و اینکه مطالبی در تایید شیعه در تزئینات اصلی وجود دارد که فعلا در قسمت هایی از تزئینات اصلی که گچ دوره دوم آن برداشته شده است، مطلبی دال بر این موضوع دیده نشده. البته نام حضرت علی (ع) در داخل گنبد در تزئینات اصلی آمده و این مسأله ای نیست چون خود اهل تسنن احترام لازم به حضرت علی (ع) می گذارند، در ضمن بر روی گچ کاری جدید احادیثی بسیار از حضرت علی نوشته شده و نام حضرت علی (ع) نیز چندین بار روی گچ تکرار شده است که در مقایسه با نام حضرت علی (ع) که در

تزئینات اولیه دیده می شود می بینیم که روی تزئینات دوره دوم از نام حضرت علی (ع) بیشتر استفاده شده است در ضمن اگر این مطلب صحت دارد (پوشاندن تزئینات اصلی به علت وجود مطالب شیعه گونه در بنا) پس سر در شرقی بیرون گنبد از همه واجب تر بود (از نظر اهل تسنن) که پوشانده شود که این کار هرگز انجام نشد، بر روی این سر در جمله علی ولی الله وصی رسول الله آمده است.

با در نظر گرفتن شروع سوره الفتح (در ردیف اول دور تا دور داخل گنبد) از ایوان جنوبی که همان ورودی تربت خانه می باشد، از آن ایوان شروع به بررسی کتیبه ها می نمایم:

### ایوان جنوبی

کلیه کتیبه های دوره دوم تزئینات، بوسیله کارشناسان مسئول بازسازی بنا برداشته شده است، با برداشتن این تزئینات، نقوش و کاشیکاری اصلی دوره اول نمایان شد که در این ایوان کتیبه زیر به صورت یک ستاره پنج پر که اضلاع آن از پنج کله محمد به خط کوفی بنایی تشکیل شده دیده می شود.

### ایوان جنوب شرقی

بر روی دیوار جانبی سمت راست ایوان جمله السلطان ظلل الله به خط کوفی بنایی با کاشی و آجر به طور تکرار نوشته شده است، روی دیوار جانبی سمت چپ ایوان دو جمله چند بار به خط کوفی بنایی تکرار شده که جمله اول خلدالله ملکه است، این تزئینات مربوط به دوره اول می باشد. (تصویر ۶/۵)

روی قوس این ایوان و در داخل دو مستطیل، کتیبه های روی گچ که متعلق به دوره دوم است دیده می شود. در حاشیه این دو مستطیل یک حدیث از پیامبر اکرم (ص) تکرار شده

است که متن آن عدو عاقل خیر من صدیق جاهل که ترجمه آن (دشمن دانا به از نادان دوست) می باشد. (تصویر ۷) ۲۷

یادآوری می شوم که دو حدیث دیگر روی گچ قبلا در ایوانهای مختلف بوده است که اکنون اثری از آنها دیده نمی شود، یکی حدیث طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه و دوم الدنیا مزرعه الاخره می باشد. این دو حدیث به اضافه چند حدیث دیگر روی عکسهای قدیمی مشخص است.

در داخل هر مستطیل روی قوس این ایوان با سه گل شانزده پر تزئین شده که در داخل هر گل یک ستاره شانزده گوش دیده می شود. اضلاع این ستاره از شانزده کلمه محمد، به خط کوفی تشکیل شده است. بر روی اضلاع این ستاره شانزده کلمه علی به خط ثلث آمده است، در حاشیه گلها کلمات ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، حسین چند بار تکرار شده است. (تصویر ۸) ۲۵

### ایوان شرقی

کلیه تزئینات دوره دوم این ایوان از جا برداشته شده است و آنچه توضیح داده می شود مربوط به دوره اول می باشد.

روی دیوار جانبی ایوان یک ستاره پنج پر آمده که اضلاع آن از پنج کلمه محمد به خط کوفی بنایی، تشکیل شده است و روی دیوار جانبی دیگر ایوان در یک ستاره کلمه علی پنج بار به خط کوفی بنایی تکرار شده است. روی دیوار جانبی داخل ایوان بوسیله آجر و کاشی و با خط کوفی معقلی جمله سبحان الله در یک لوزی شکل چندین بار بصورت تکرار آمده است. این طرح کاشیکاری، قابل مقایسه با جمله سبحان الله در آجرکاری موجود در مسجد جامع ورامین می باشد.

هر دو طرح یکی است با این تفاوت که در گنبد سلطانیه متن حروف دو حاشیه دارد و در مسجد جامع ورامین که در زمان سلطان ابوسعید ساخته شده، متن حروف با یک آجر نوشته شده است به نظر می آید طراح کتیبه گنبد در ساختن جامع ورامین نیز شرکت داشت هاست. (تصویر ۹ و ۱۰) ۵

در قوس طبقه دوم این ایوان، کتیبه ای با خط کوفی آجری در قوس ایوان مشاهده می شود. در این کتیبه آیه (۲۵۵) سوره بقره به شرح ذیل آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنه و لا نوم له ما فى السموات و ما فى الارض من ذا الذى يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم و ما خلفهم و لا يحيطون بشى من علمه الا بما شا وسع كرسيه السموات و الارض و لا يوده حفظهما و هو العلى العظيم.

و بعد از پایان آن عبارت جملات اللهم صل على نبى شفيح الامه ... و در انتهای جملات مذکور تاریخ ۷۱۳ هجری به شکل زیر آمده است:

... (ث) لات عشر و سبعمئه

در داخل طبقه دوم این ایوان سوره الاخلاص به خط کوفی آجری به چشم می خورد که جمله بسم الله الرحمن الرحيم در سمت راست و جمله قل هو الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و در سینه ایوان و جمله لم يكن له كفوا احد در سمت چپ ایوان قرار گرفته است.

#### ایوان شمالی شرقی

تزئینات دوره دوم این ایوان نیز برداشته شده است و تزئینات موجود مربوط به دوره اول می باشد که در حاشیه میان ایوان شمال شرقی و ایوان شمالی قسمتی از آیه (۲۵۵) سوره البقره به خط کوفی آمده است. در طبقه دوم این ایوان و در سمت راست جمله الملك لله و در سمت چپ جمله القدره لله به رشته تحریر درآمده است. روی دیوار داخلی

ایوان در طبقه دوم و در یک مربع کلمه محمد چهار بار با خط کوفی تکرار شده است.

(تصویر ۱۱) ۵

### ایوان شمالی

در حاشیه داخلی ایوان، با رنگ روی گچ کتیبه ای مربوط به تاج الدین علیشاه وزیر اولجایتو وجود دارد که به علت از بین رفتن رنگ آن بطور کامل مشخص نیست. در حاشیه خارجی ایوان قسمتی از حدیث پیامبر اکرم (ص) بدین شرح آمده است ارحموا من فی الارض یرحمهم من فی السماء قال النبی عن الله تعالی. کلمه یرحمهم در این کتیبه می بایستی یرحمکم باشد و اشتباها به این صورت نوشته شده است و در طبقه دوم ایوان در یک دایره جمله اللهم اشفنا بشفائك و داونا بداونک نوشته شده و روی دیوار، آیه کل من علیها فان با رنگ قرمز روی گچ چند بار تکرار شده است.

### ایوان شمال غربی

روی دیوار جانبی بیرون ایوان، کلمه علی در لوزیهای متعددی آمده که در هر لوزی این کلمه چهار بار تکرار شده است و بر روی دیوار جانبی داخل ایوان کلمه محمد در لوزیهای متعددی به صورت چهار بار تکرار شده است، این تزئینات متعلق به دوره اول گنبد است. (تصویر ۱۲ و ۱۳) در حاشیه قوس طبقه دوم ایوان و با رنگ روی گچ جمله الملك الله چندین بار تکرار شده است، در قوس طبقه اول ایوان دو مستطیل دیده می شود که درون هر یک از آنها یک گل شانزده پر دیده می شود، حاشیه این مستطیل با جمله سلطان محمد اولجایتو که چندین بار تکرار شده، تزئین گشته است. گلهای داخل مستطیل قوس با ستاره شانزده پر تزئین شده که اضلاع آن ستاره با شانزده کلمه محمد به خط کوفی و شانزده علی به خط ثلث تزئین شده است. حاشیه این گلهای بر عکس گلهای ایوان



جنوب غربی فاقد کلمات ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، حسین می باشد. جمله سلطان محمد اولجایتوک در طبقه دوم ایوان با رنگ روی گچ نیز دیده می شود.

### ایوان غربی

نوشته های دوره دوم این ایوان مانند نوشته های ایوان جنوب شرقی می باشد، در حاشیه ایوان که از پایین شروع و بطرف بالا ادامه پیدا می کند کتیبه مربوط به تاج الدین علیشاه قرار دارد، این کتیبه در کلیه ایوانها نوشته شده بود که اکنون قسمتهایی از آن در ایوانهای جنوب شرقی، شمالی، شمالی غربی، غربی، جنوب غربی دیده می شود، شرع این کتیبه با جمله ان من عنایه الله تعالی و کمال الطافه التي افاضها می باشد در قسمت بالای قوس جملات الدستور الکرّم المفخّم مشاهده می شود و بعد از چند کلمه جمله تاج الحق و الملّه و الدین علیشاه دیده می شود، در آخر این کتیبه جملات ادام الله نصره و ... بالعدل و الاحسان ... آمده است.

اگر رنگهای این کتیبه یا قسمتهایی از همان کتیبه در ایوانهای مختلف تثبیت شود کل اشکالات مربوط به دوره دوم تزئینات بطور کامل برطرف خواهد شد.

### ایوان جنوبی غربی

در این ایوان تزئینات دوره دوم دیده می شود که نوشته های آن مانند ایوان جنوب شرقی می باشد.

### کتیبه های تربت خانه

تربت خانه به محلی اطلاق می شود که قبر سلطان محمد اولجایتو در آن جای داشته است، در این محل دور تا دور داخل تربت خانه کتیبه ای گچبری شده و در دو خط

مختلف (کوفی و ثلث) دیده می شود. کتیبه ای که به خط کوفی است بر روی انتهای حروف کتیبه ثلث قرار دارد، در این کتیبه احادیثی از حضرت علی (ع) نقل شده که به علت فروریختن قسمت اعظم گچبریها، متن آن مشخص نیست اما کتیبه ثلث آیاتی از سوره الملک می باشد که از قسمت چپ محراب شروع و به علت فرو ریختن گچبریها مشخص نیست که آیا آن سوره بطور کامل نوشته شد یا خیر.

متن باقیمانده آیات این سوره چنین است:

... العزيز الغفور الذ ...

... بئس المصير اذا القو فيها سمعوا لها شهيقا و هي تفور تكاد تميز من الغيظ كلما القى فيها فوج سالهم خزنتها الم يا تكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شيء ان انتم الا في ضلال...

در داخل تربت خانه تعداد زیادی کتیبه موجود است که همگی به جز یک کتیبه، متعلق به تزئینات دوره دوم گنبد است، در میان این کتیبه ها یک سنگ دارای کتیبه متعلق به دوره صفویه دیده می شود، کتیبه مذکور تسوط شخصی به نام محمد معصوم النامی در سال ۱۰۱۲ هجری قمری ایجاد شده است، شخص مذکور در آن سال از هندوستان به رسالت نزد شاه عباس آمده و در حین عبور از سلطانیه به سوی اصفهان کتیبه مذکور در آن گنبد جاری کرده است، متن این کتیبه که شامل رباعی و نام آن مشخص و سال رسیدن به سلطانیه چنین است:

دیدم جغدی نشسته در صبح بگاه

بر کنگره مقبره شروان شاه

فریاد کنان ز روی عبرت می گفت

کو آن همه حشمت و کجا آن همه جاه

به تاریخ ۱۰۱۲ که نزد شاه اقلیم گیر شاه عباس از هند به رسالت آمده بود اینجا رسید  
قایله و راقمه محمد معصوم الترمذی ابا و السبزواری اما و البکری موطننا و النامی  
تخلصا.

کتیبه های دوره دوم گنبد که از جای اصلی خود برداشته شده و در تربتخانه موجود  
است عبارت از:

۱- مهمترین کتیبه که نام سلطان محمد روی آن آمده است و ثابت می کند که تزئینات  
دوره دوم گنبد در زمان حیات سلطان محمد اولجایتو انجام گرفته است. متاسفانه  
قسمتهایی از این کتیبه ریخته و از بین رفته است، متن آنچه که از این کتیبه خواناست به  
شرح زیر است:

... الاسلام و المسلمین محمد مدالله ظلّه و نصر نجله ...

۲- یک قطعه گچ که روی آن تاریخ ۷۲۰ با عدد چنین است:

سنه ۷۲۰

۳- یک تکه گچ که روی آن قسمتی از سوره الفتح آمده است (این تکه گچ مربوط به ردیف  
اول دور تا دور داخل گنبد می باشد).

۴- یک قطعه گچ یا کتیبه دو خط (کوفی و ثلث) که متن کتیبه کوفی قال علی بن ابی طالب  
کرم الله وجهه.

۵- قسمتی از قوس گچی از ایوانها که روی آن جمله الملك الله چندین بار تکرار شده  
است. (تصویر ۱۴) / ۶

به غیر از تربتخانه در داخل گنبد کتیبه هایی زیاد به چشم می خورد که به غیر کتیبه های  
هشت ایوان، ۴ ردیف کتیبه دور تا دور گنبد که همگی متعلق به دوره دوم تزئینات است،  
دیده می شود.

## ردیف اول

در قسمت پایین سوره الفتح به خط ثلث نوشته شده است، قسمت اعظم این کتیبه را از جای خود برداشته اند و در یک انبار داخل جعبه های چوبی قرار داده اند. لازم به یادآوری است که اگر این کتیبه در داخل ایوانها روی قسمت ورودی قرار گرفته، به صورت باریک در می آید.

## ردیف دوم

در حد فاصل طبقه اول و دوم هر ایوان نوشته ای روی گچ دیده می شود که این نوشته از ایوان غربی شروع و دنباله آن در بقیه ایوانها بوده است، کتیبه های پنج ایوان (حد فاصل طبقه اول و دوم هر ایوان) اکنون موجود نیست و قسمت زیادی از کتیبه سه ایوان باقیمانده از بین رفته است، متن این کتیبه ها چنین است:

در حد فاصل طبقه اول و دوم ایوان غربی:

اللهم اید دوله السلطان ... العالم

در حد فاصل طبقه اول و دوم ایوان جنوب غربی:

مولی خواقین العرب و العجم ... علاء الدنیا الدین

اما از کتیبه ایوان جنوب شرقی چیزی مشخص نیست.

## ردیف سوم

در قسمت بالای ایوانها و دور تا دور گنبد آیات سوره الانبیاء به خط محقق آمده که قسمت اعظم آن به مرور زمان سفید گشته است. متن باقیمانده این آیات چنین است:

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ... و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین ... انما یوحى الی

انما الهکم ... قل ربی ...

## ردیف چهارم

کتیبه ردیف چهارم در نهایی ترین قسمت بالای گنبد قرار دارد که بوسیله رنگ سبز روی نوشته شده و قسمت اعظم آن به مرور زمان سفید شده و قابل تشخیص نیست و فقط یک قسمت که توسط کارشناسان بازسازی شده واضح است در آن قسمت از آیه (۱۲۷) سوره البقره به خط معقد دیه می شود متن آن قسمت از این آیه که مشخص است چنین است:

... هیم القواعد فی البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا انک.

بالای ردیف چهارم یک کاشی با کلمه «الله» از تزئینات اصلی دیده می شود.

در بیرون گنبد سلطانیه چند کتیبه، در سه محل به شرح ذیل به چشم می خورد: کتیبه اول بر روی سر در شرقی گنبد آمده که در حال حاضر این ورودی به وسیله آجر بسته شده است، کتیبه مزبور شامل دروازه مثلث کوچک و سه مثلث بزرگ به اضافه دو گوشه پایین کتیبه می باشد. در این سر در با خط کوفی بنایی با کاشی و آجر نوشته هایی آمده که بدین صورت که هر یک از مثلث های کوچک، متشکل از سه کلمه محمد در سه ضلع و سه کلمه علی در یک شش ضلعی می باشد. (تصویر ۱۵) ۷

در سه مثلث بزرگ جملات زیر آمده است:

مثلث اول: لا اله الا الله الواحد      مثلث دوم: محمد رسول الله الصادق

مثلث سوم: علی ولی الله وصی رسول الله (تصویر ۱۶) ۷

در دو گوشه این کتیبه تاریخ آن دیده می شود که نصف تاریخ در سمت راست و نصف دیگر در سمت چپ کتیبه است، متأسفانه قسمت چپ کتیبه که در آن باید کلمه وسیع مائه باشد از بین رفته است و احتمالاً این نوشته به شکل (طرح ۶) باشد، اما در سمت راست دو عدد اول تاریخ که عبارت است از فی سنه عشر به چشم می خورد، تزئینات این سردر در سال ۷۱۰ هجری قمری پایان یافته است.

کتیبه دوم بیرون گنبد در قسمت شمالی گنبد و بر روی یک سر درآمده است، این کتیبه گچبری است و قسمت اعظم آن فرو ریخته است، در این کتیبه به خط ثلث قسمتی از آیه (۷۸) سوره الاسراء دیده می شود. زیرا این کتیبه آیه (۲۵۵) سوره البقره به خط ثلث روی گچ آمده که قسمت اعظم آن نیز از بین رفته است. در دو طرف این آیه و با خط کوفی حدیثی از پیامبر اکرم (ص) گچبری شده است که در قسمت راست جمله المصلی یناجی ربه می باشد.

در کنار قسمت راست و به صورت عمودی حدیثی از پیامبر اکرم (ص) به خط ثلث آمده است. قسمت اعظم نوشته های این قسمت از بین رفته است و آنچه از آن باقی است... حتی الموت و هو یطلب العلم لیجزیه الاسلام...

متن باقیمانده آیه ۷۸ سوره اسراء ... سق اللیل و قرا الفجران قرآن الفجر کان مشهودا و متن باقیمانده آیه ۲۵۵ سوره بقره ... من ذالذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشی من علمه الا بما شاء و سع کرسیه السموات و الارض... کتیبه سوم بیرون گنبد چند متر دورتر سمت راست این کتیبه دیده می شود که در قوس یک طاقنمای کوچک قسمتی از آیه (۱۶) و اول آیه (۱۷) سوره الفتح دیده می شود.

### سقف ایوان جنوب شرقی

در وسط این سقف یک شانزده ضلعی بزرگ دیده می شود که روی اضلاع آن جمله العز الدائم شانزده بار به خط کوفی گچبری شده است و در وسط هشت ضلعی یک ستاره که درون آن کلمه الله آمده است طراحی شده و اضلاع این ستاره از هشت کلمه محمد به خط کوفی تشکیل شده است.

### سقف ایوان شرقی

در وسط سقف یک ستاره تزئینی وجود دارد که در میان خود کلمه محمد به خط نسخ دیده می شود.

### **سقف ایوان شمالی**

بر روی گچ چهار کلمه علی به خط کوفی معقلی چند بار تکرار شده و روی گچ نوشته شده است. (تصویر ۱۷)

### **سقف ایوان غربی**

گوشه راست این سقف کلمه الله به خط نسخ و در گوشه چپ، کله الله به خط کوفی گچبری شده است.

### **سقف ایوان جنوبی**

کلمه محمد پنج بار به خط کوفی روی سقف گچبری شده و تشکیل ستاره پنج بری را می دهد، که در وسط آن کلمه الله نوشته شده است.

### **سقف ایوان شمال شرقی**

در یک ستاره شش گوش، شش کلمه محمد مشاهده می شود (اضلاع آن ستاره از کلمه الله تشکیل شده است) و در وسط ستاره کلمه الله را می توان دید.

در قدیم روی گلدسته نوشته هایی به خط کوفی بنایی وجود داشته که به مرور زمان ریخته است اما روی دو گلدسته قسمتهای از این نوشته هنوز باقی است و با طراحی آن مشخص شد که کلا دو لوزی دوم کلمه احد نوشته شده بود و بر روی گلدسته دوم کلمات الله، محمد، علی تکرار شده است و اگر قرار است نوشته خط کوفی بنایی گلدسته ها بازسازی شود، نمونه طرح آن در دیده می شود. (تصویر ۱۷) ۹

### **کتیبه های دور گنبد**

کلمات (الله - محمد - علی) به خط کوفی معقلی چند بار تکرار شده است. (تصویر ۱۸) ۹

## تزئینات آجری:

کاربرد آجر در ساخت ابنیه از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است که نمونه بارز آن را در معبد چغازنبیل (حدود ۱۲۵۰ ق. م) مشاهده می‌کنیم. از آغاز امکاناتی که آجر در اختیار معماران قرار می‌داد، بسیار متنوع بود، بطوریکه بواسطه خصوصیات منحصر به فرد خود به سرعت جای کاربرد سنگ را گرفت مقاومت بالا ارزانی سهولت کاربرد، سرعت بخشیدن به ساخت و اتمام بناها، امکانات تزئینی و ... عواملی بودند که آجر را مورد توجه قرار می‌داد. با این همه اوج بهره برداری از امکانات زینتی آن با وجود کاربرد عمومی آن در ساخت بناها، تا اوایل دوران اسلامی بخوبی شناخته نشد. قبل از اسلام عموماً سطح آجر کاری شده را با تزئینات گچ بری می‌پوشاندند. اما با نفوذ اسلام و شاید محدودیت هنرمندان در بکارگیری نقوش طبیعت گرایانه دوره های قبل زیبایی های بالقوه آجر، از قبیل گره سازیهای زینتی و بافت های متضاد و ایجاد سایه و روشن با قراردادن رج ها بصورت پیش آمده و تورفته، خود را نشان داد. تحقق چنین مسئله ای نقطه عاطفی را در تزئینات معماری بوجود آورد که در آن از تنوع در اندازه ها و قالب های مختلف، رنگ های گوناگون و شیوه های بکارگیری، بخوبی استفاده گردید و نهایتاً طرح های ساده هندسی به حروف عظیم و زیبایی کوفی تبدیل شد. بدین ترتیب آجرچینی، مضمون و معنای خاصی را به سطوح دیوارها بخشید. از سوی دیگر گره سازی آجرین با تنوع و زیبایی فراوان خود، با کتیبه های کوفی به کار گرفته شد که شاید مجلل ترین و باشکوه ترین آن را بعد از دوران سلجوقی بتوان در گنبد سلطانیه یافت.

بطور کلی عنصر آجر در گنبد سلطانیه نقش به سزایی بر عهده دارد که علاوه بر نقش اساسی در شالوده بنا و استحکام آن وظایف تزئینی متفاوتی را نیز ایفا می‌کند. تزئینات



آجری در این بنا به پنج صورت به کار برده شده که در زیر ضمن توضیح در مورد کاربرد این شیوه ها، به نمونه هایی از آنها نیز اشاره می گردد.

#### ۱- آجرهای قالبی (مهری):

در چهار ایوان از ایوانهای هشتگانه از این نوع آجرها استفاده شده است که شامل ایوانهای شمالی، شرقی، جنوبی و شمال غربی است. این آجرها که به صورت نقوش هندسی و گیاهی و گاه کتیبه ای بکار گرفته شده و در شکل های گوناگون مثل طبل کند، شش بند تند، پنج تند، شمشه هشت، زهره، ترنج تندو کند، پنج کند، ترقه و غیره دیده می شود که نقوش داخلی آنها را تزئینات اسلیمی و گل و بوته تشکیل می دهد.

این تزئینات در ایوان شمال غربی دارای عناصر تشکیل دهنده کوچکتری در مقیاس با ایوانهای دیگر است. در همه این ایوانها نقوش از شمسه منشعب شده و در اضلاع ایوان شرقی در داخل شمسه ها کلمات محمد و علی هر کدام پنج بار تکرار گردیده است. در حد فاصل این آجرها از کاشی های فیروزه ای استفاده شده است.

در روش دیگر برای ایجاد فرم بخصوص آجرها، از قالب ویژه ای استفاده می گردید که به اشکال مختلف برای تزئین قسمت های معینی از سطوح بنا ساخته می شد. وجود چنین روشی، بیانگر این است که اولاً طرح های تزئینی برای سطوح مختلف قبلاً پیش بینی و طراحی می شد. ثانیاً این آجرها در محل تهیه و پخته می گردید. (تصویر ۱۹ و ۲۰)

#### ۲- آجرکاری تزئینی:

در این روش هنرمند، تزئینات و نقوش را با استفاده از شیوه چین آجرها در کنار هم و نیز رنگ آنها اجرا می کند. در مقرنس های موجود در ایوانهای شرقی و غربی طبقه اول بنا، نقوش زیبایی را می توان مشاهده کرد که از ترکیب آجرها در فرمها و رنگ های مختلف و تلفیق آنها بوجود آمده است.

از دیگر نمونه های آجرکاری تزئینی می توان به سبک رایج خفته راسته اشاره کرد که در بعضی از بخش های سقف راهرو طبقه اول و نیز سقف ایوانها قابل مشاهده است.

### ۳- آجرهای کنده کاری:

در دو ایوان از ایوان های هشتگانه در سمت شرقی و جنوبی از این نوع تزئین استفاده شده است. در این روش تزئینات بصورت آلت و لغت اجرا می گردد که آلت آن از آجرهای کنده کاری شده و لغت آن از کاشی های فیروزه ای است در اینجا خط بند آجرهای آلت بطور مساوی و موازی کنده شده است.

### ۴- آجرهای تزئینی پیش بر:

بخش دیگری از تزئینات آجری را کلمات و کتیبه ها تشکیل می دهند. در این روش پس از تهیه گل مخصوص و دادن ضخامت مناسب، آن را در سطح همواری قرار داده و کلمات مورد نظر را با ابزار نوک تیز از آن جدا می کنند. این قطعات پس از پخته شدن بوسیله گچ در محل مورد نظر نصب می گردد.

### ۵- تزئینات تلفیقی آجر و کاشی:

در این روش که آن را معقلی نیز می گویند. آجر و کاشی به همراه هم و در کنار یکدیگر برای تزئین بکار گرفته می شود. در دوره ایلخانی از این شیوه به کرات در تزئینات بناها استفاده شده است. دونالد ویلبر ضمن اشاره به خصوصیات آجرچینی دوره سلجوقیان می گوید طرحهای دوره مغول داری یک خصوصیت تازه است که عبارت باشد از استعمال نقش کوچک لعابدار که در داخل دیوار جای داده می شد و استعمال آجرکاری معلق که تا آخر قرن چهاردهم به کل منسوخ شد. (تصویر ۲۱)

تزئین آجر با تلفیق کاشی در این بنا در حد عالی است قسمت عمده این تزئینات متعلق به دوره اول تزئینات ساختمان است که با مهارت خاصی اجرا شده است. (تصاویر ۲۷) این نوع تزئین در طبقه اول تمام ایوانهای هشتگانه دیده می شود. از این روش هم برای اجرای نقوش و هم برای اجرای کتیبه ها استفاده شده که در ایوان های جنوب شرقی، شرقی و شمال غربی کاربرد کتیبه ای دارد.

در تزئینات سطح خارجی و ساقه گنبد و نیز بدنه مناره ها از این شیوه بهره جست هاند تا بوسیله آن کلماتی همچون الله، محمد، علی و البقاء بوجود آید.

### کاشی کاری:

همانند دیگر هنرهای ایران در عهد اسلامی صنعت و هنر کاشیکاری نیز از اعتبار و ارزش ویژه ای برخوردار است . سابقه هنر کاشی گری که توماً در تزئین و استحکام بناهای تاریخی نقش موثری داشته بگذشته بسیار دور بر می گردد .

مدارک تاریخی و باستان شناسی حکایت از آن دارد که در اواخر هزاره دوم ق.م . هنرمندان ایران زمین آسنا به ساخت خشت و آجرهای لعاب دار بوده و از آن برای آرایش مناسب بنا استفاده می کرده اند .

در دوره اسلامی نیز به تدریج هنر کاشیکاری همانند آجر کاری و گچکاری با شیوه جدید آغاز گردیده و در تمامی ادوار اسلامی به دو علت آرایش و استحکام بخشی به بنا کاربرد ویژه ای یافت . در ادوار اسلامی بناهای بسیاری مانند مساجد ، مدارس ، مقابر ، کاخها ، حمامها و حتی پلها به یکی از انواع کاشی مزین گردیده اند . گنبد سلطانیه نیز یکی از بناهای اسلامی می باشد که هنر کاشیکاری بصورت عالی و کم نظیر در آن بکار رفته است .

## کاشیکاری در گنبد سلطانیه:

آغاز استفاده و بهره گیری از کاشی در معماری عهد اسلامی به درستی روشن نیست . بررسیها و کاوشهای محوطه ها و شهرهای اسلامی حکایت از آن دارد که از اواخر قرن ۴ هجری هنرمندان با ساخت کاشی و نحوه لعابدهی آن آشنا بوده اند که این هنر تا قرن هفتم تکامل پیدا کرده و تا قرن دهم به بالاترین سطح خود می رسد . آرایش و تزیین بنای سلطانیه نیز مانند بناهای دیگر عموماً شامل آجر کاری کاشیکاری ، گچبری و نقاشی است که تا حدودی با الهام از موتیفها و نقوش دوره سلجوقی که مورد استفاده استاد کاران و مهندسان قرار می گرفت .

## کاشی معرق :

کاشیکاری معرق و استفاده از آن در معماری گنبد سلطانیه از دو جنبه حائز اهمیت است . اول از نظر زیبایی فوق العاده و دوم از نظر استحکام .

البته به نظر می رسد که در بهره گیری از کاشی معرق در گنبد سلطانیه از هنر گچبری نیز در کنار کاشیکاری استفاده گردیده است . قرار دادن قطعات ریز کاشی در کنار قطعات گچبری به اشکال مختلف به ویژه طرحهای هندسی به استادکاران این امکان را می دهد که در توسعه است هنر زمینه و اختیار عمل بیشتر داشته باشند . به احتمال زیاد در مورد آغاز پیدایش و توسعه کاشی معرق کاشیکارانی که در گنبد سلطانیه کار می کردهاند از نواحی دیگر ایران پیشی گرفته بودند .

## کاشی زرین فام :

از دیگر انواع کاشی که در گنبد سلطانیه بکار رفته است کاشی های طلائی یا زرین فام بوده است . توسعه تدریجی ساخت کاشی زرین فام و استفاده آن در معماری بویژه

بناهای مذهبی و مقادیر از اواخر دوره سلجوقی آغاز و در دوره ایلخانان به اوج ترقی خود رسید و تحولی چشمگیر در آن بوجود آمد. کشف کوره کاشیکاری در تخت سلیمان، ساخت لعاب و لعابدهی کاشیهای گوناگون را نشان می دهد.

در گنبد سلطانیه کاشی های زرین فام جهت تزئین و زیبایی قرار داشت.

برجسته کاری بر روی کاشی در زمان ایلخانان رواج داشته است و تعداد زیادی از کاشیهای ستاره ای شکل این دوره که در حاشیه با کتیبه و در وسط با نقوش انسان و حیوان با گل و گیاه مزین گردیده در کاشیکاری گنبد سلطانیه مشاهده می گردد که البته بسیاری از آنها از بین رفته است.

شیوه ای دیگر از نوع تزئینات وابسته به معماری در گنبد سلطانیه بافت آجر و کشای با کاشی معلق می باشد. تلفیق زیبای آجر و کاشی که عموماً با حرکت زیبای شطرنجی صورت گرفته، ارزش ویژه ای به تزئینات این بنای مهم و عظیم بخشیده است. تزئینات خط بنائی که به علت شیوه خاص نگارش آن به خط معقلی نیز شهرت دارد. زیباترین شکل ترکیب آجر و کاشی را در روی دیواره های داخلی و قسمتهایی از گنبد بزرگ را به نمایش می گذارد. نوع دیگری از تزئینات کاشیکاری در گنبد سلطانیه تکنیک لعابیران کاشی می باشد که گمان می رود خاستگاه آن سلطانیه باشد.

در بنای گنبد سلطانیه از عنصر گچ به وفور استفاده شده است در اکثر قسمت ها علاوه بر بکارگیری آن بعنوان ملات در بین رچ های آجری بعنوان پوششی بر روی سطوح زیر و ناهموار آجرکاری نیز بکار رفته و اغلب بعنوان زیرکار مناسب برای اجرای نقوش و کتیبه ها مورد استفاده قرار گرفته است. بطور کلی کاربرد تزئینی گچ عموماً در داخل بنا مشاهده می شود و تنها در یک مورد کاربرد گچ بری آن در خارج بنا دیده می شود. شواهد نشان می دهد که این مورد نیز در زیر طاق های الحاقی به ورودی شمالی قرار

داشته که هم اکنون فرو ریخته است. ظاهراً عدم استفاده از تزئینات گچی در خارج بنا به علت مقاومت کم آن در برابر عوامل جوی بوده است. در کل تزئینات گچی گنبد سلطانیه را با توجه به نوع کار و شیوه اجرا به گونه های زیر می توان تقسیم کرد. (تصویر ۲۵)

### تزئینات گچی استامپی:

رابطه بین درزهای عمودی و افقی در آجرکاری را می توان در سه دسته خلاصه نمود. هر سه دسته در بنای گنبد سلطانیه کاربرد داشته است. در نوع اول عرض درزهای عمودی و افقی با هم یکسان است. از این نوع در اکثر قسمت های آجر کاری دیوارها استفاده شده است. در نوع دوم درزهای افقی پهن تر از درزهای عمودی در نظر گرفته می شود و درزهای عمودی در حداقل ضخامت خود قرار دارند. از این نمونه می توان به آجرهای تزئینی بکار رفته در نقوش هندسی داخل بنا اشاره نمود. در نوع سوم درزهای افقی ضخامت کمتری از درزهای عمودی دارند. درزهای عمودی در این نوع اغلب بین ۲ تا ۶ سانتیمتر عرض دارند. این شیوه از دو روش قبلی برای تزئین مناسب تر است. معماری این دوره در ادامه سبک های دوره سلجوقی بندهای عمودی آجرها را عریض تر می گرفتند و یا دو انتهای آجر را در امتداد بند عمودی می بریدند. با این کار فضای مناسبی بوجود می آید که اغلب بوسیله گچ پر می شود و هنگامی که گچ کاملاً خود را نگرفته بود سطح آن را به طرح های گوناگون زینت می دادند. در بعضی مواقع از قالب های چوبی برای ایجاد نقش استفاده می کردند. طرح های مذکور اغلب شامل طرحهای ساده هندسی است که از تنوع زیادی برخوردارند، این روش تزئینی در تمامی دیوارهای ایوانهای خارجی و راهروهای طبقه اول دیده می شود.

## ۲- تزئینات گچی مسطح (آجر کاری کاذب):

با رواج هر چه بیشتر گچ بری در دوره ایلخانی روش جدیدی برای تزئین سطوح در نظر گرفته شد که سرعت انجام کار را بالای می برد. در این شیوه از شبیه سازی طرح های آجرکاری استفاده می شد. بدین ترتیب که ابتدا بر روی سطوح آجر کاری شده لایه ای از گچ، کشیده شده و پس از سفت شدن گچ، بندهای افقی و عمودی و نیز طرح تزئینات گچی استامپی بر روی آن، بدون در نظر گرفتن بندهای سطح زیرین کنده می شد. از این تکنیک در سطوح بالای دیوارهای ایوانهای خارجی گنبد استفاده فراوان شده است.

## ۳- تزئینات گچی روی پارچه:

در معبود نوشته هایی که تزئینات گنبد سلطانیه را مورد بحث قرار داده اند به جز در یک مورد به این تکنیک اشاره نشده است. این در حالی است که نظیر چنین تزئینی در هیچ یک از بناهای ایرانی کار نشده و یا اگر کار شده اثری از آن بر جای نمانده است. ظاهراً اجرای این نوع تزئینات در ارتفاع زیاد و عدم دسترسی به آن، باعث شده است تا محققین کمتر به این مسئله بپردازند.

در بررسی نزدیکی که از بخش داخلی کاسه گنبد انجام گرفت، مشاهده شد که این نوع تزئینات از قسمت فوقانی و راس گنبد تا ارتفاع حدود ۳۵ متری در ردیف های متعدد انجام پذیرفته و متأسفانه اثر قابل توجهی از آنها باقی نمانده است. در رویارویی این نوع تزئین در وهله اول این سوال مطرح می گردد که چرا هنرمند معماری از این شیوه برای تزئینات این بخش سود جسته است. در پاسخ به ای سوال اساسی باید گفت که به علت ارتفاع زیاد بنا از داخل و لزوم دید بصری مناسب، در رابطه با نقوشی که در ارتفاع نزدیک پنجاه متری اجرا می شدند، نیاز به اجرای نقوش با جزئیات بزرگتر و برجستگی بیشتری را مطرح می کرد. از طرف دیگر اجرای این نقوش در آن ارتفاع با توجه به جاذبه

و کشش شدید زمین در زیر کاسه گنبد نسبت به نقوشی که به سقف چسبیده و علی القاعده می بایست دارای سنگینی فوق العاده ای باشند، مشکل و یا ناممکن بود. به این جهت هنرمند معمار با درک صحیح از موقعیت تزئینات به شیوه ای روی می آورد که به بهترین وجهی جوابگوی نیازهای موجود باشد.

در این شیوه پس از طراحی نقوش برای فضای مورد نظر، نمونه گچی آن در روی زمین اجرا و گچ بری می شد. سپس برای این نمونه قالب گیری انجام گرفته و سپس قالب بدست آمده را بوسیله مواد روغنی برای جلوگیری از چسبیدن آن به نمونه اصلی اندود می کردند پس از آنکه قالب آماده می شد ورقه نازک کاغذ خیس خورده را در داخل قالب قرار می دادند، بطوریکه به خوبی به گوشه و زوایا و پستی و بلندیهای قالب چسبیده و فرم قالب را به خود بگیرد. سپس روی آن را در چندین مرحله بوسیله دوغاب رقیق شده گچ مخلوط با اکلیل می پوشاندند بطوریکه در نهایت قشری از گچ طلائی رنگ به ضخامت حدود ۲ تا ۳ میلیمتر بدست می آمد. پس از اتمام این مرحله و قبل از خشک شدن کامل قشر گچی، لایه هایی از پارچه های کنفی یا کتانی نسبتاً محکم را بوسیله چسب های حیوانی بر روی آن می چسباندند در نمونه برداریهایی که انجام گرفت دو لایه پارچه مشاهده گردید که بر روی هم واقع شده بودند و در فاصله بین آنها اثری از چسب های مذکور و یا گچ دیده نشد.

هنگامی که پارچه به خوبی به روی قشر گچی چسبیده و خشک می شد، فرم مورد نظر را از قالب جدا کرده و بوسیله میخ های چهارگوش ۱ تا ۵ سانتیمتری در محل مورد نظر نصب می کردند بدین ترتیب قشر نازکی بدست می آید که به ترتیب از دو لایه پارچه و ۲ تا ۳ میلیمتر گچ تشکیل می یافت چنین تزئیناتی در عین سبکی از برجستگی فوق العاده ای نیز برخوردار بودند.



پس از نصب نقوش یاد شده بر روی سطح مورد نظر آن را رنگ آمیزی می کردند. در نمونه های کوچک باقی مانده آثاری از رنگ های آبی و سبز بدست آمد.

#### ۵- تزئینات گچی حکاکی

گچ بری شیوه یکی از رایج ترین روشهای تزئینی در دوره ایلخانی به شمار می رود بطوریکه هنرمندان این دوره در این شیوه از مهارت و دقت بالایی برخوردار بودند. اجرای این روش بدین صورت بود که هنرمندان پس از انتقال طرح به سطح گچ کاری شده آن را با ظرافت تمام، به عمق حدود دو سانتیمتر می برند تا پس از برداشتن اجزای اضافی سطحی به موازات سطح اول پدیدار گردد. بدیهی است ایجاد سطحی صاف و یک دست در این روش بسیار دشوار بود. چرا که کنترل عمق کار و رعایت حدود نقوش می بایست در نهایت ظرافت انجام می گردید. تزئینات گچی انجام شده و در سقف تمام ایوانهای خارجی گنبد سلطانیه بدین شیوه است. نمونه های باقی مانده از این تزئینات حاکی از توانایی بالای هنرمندان گچ بر این دوره است. نقوش گچ بری این ایوانها به قدری زیبا و پر قدرت اجرا شده که نمونه آن را در هیچ کجا نمی توان یافت. شاید آنها را به زیبایی یک فرش پر نقش و نگار بیشتر بتوان تشبیه کرد تا به گچ بری (تصویر ۲۶) دونالد ویلبر در این زمینه می گوید شاید مهمتر از تنوع طرحها و مهارت در بردین آنها وجود رنگ فراوان است که کاملاً حفظ شده و هر سانتیمتر مربع سطح طرحها به رنگ سفید و قرمز و زرد و سبز نقاشی شده است.

بطور کلی طرح اغلب سقف ها از تلفیق نقوش هندسی و گیاهی و گاه کتیبه ها با تنوع خاصی اجرا شده به گونه ای که هر یک از سقف های بیست و چهارگانه دارای طرح مخصوص به خود بوده و ترکیبی جالب توجه یافته است. طرح ها اغلب از شمسه هایی منشعب می شوند که پیچ های زیر و روی حکاکی شده اطراف آنها را در بر می گیرند

جذابیت و گیرایی این طرحها از آنجا دو چندان می شود که استاد چیره دست در اغلب موارد با رنگ آمیزی زمینه کار به رنگ های گوناگون کمک شایانی به برجسته نشان دادن طرحها کرده است این طرح ها شاهکاری از تلفیق گچ، آجر و رنگ را به نمایش می گذارند ضخامت این تزئینات در اغلب موارد حداکثر یک سانتیمتر است.

#### ۶- تزئینات گچ بری رنگی

باید توجه داشت که استفاده از گچ بری رنگی در تزئینات ضمن القا عمق و تشدید حالت سه بعدی نقوش برای ایجاد تعادل نیز مفید فایده بوده است که هنرمندان دست اندرکار این بنا نیز از آن سود فراوانی برجسته اند. رنگهای بکار رفته در تزئینات گچ بری بنای سلطانیه را بطور کلی می توان در هشت گروه سبزه تیره و روشن آبی تیره و روشن، قرمز و نارنجی، زرد، سفید، سیاه، قهوه ای تیره و روشن و طلایی دسته بندی کرد که نمونه بارز چنین رنگ هایی را در تصاویر مربوط به سقف ایوانها می توان مشاهده کرد.

#### عناصر تزئینی:

عناصر و موضوع های مورد استفاده در تزئینات را بطور کلی می توان به پنج بخش مجزا تقسیم بندی کرد که عبارتند از نقوش گیاهی، آرایه های هندسی، تزئینات کتیبه ای، عناصر معماری و تصاویر انسانی و حیوانی.

نقوش گیاهی - نقوش گیاهی یکی از مهمترین عناصر تزئینی این دوره به حساب می آید که از آن در تزئین بسیاری از بناها استفاده شده است. در بکارگیری این نقوش در دوره ایلخانی سعی بر آن بوده است تا ضمن دوری جستن از بکارگیری نمونه های طبیعی گیاهان به معنای واقعی مضمون آنها احساس شدیدتری داده شود. در این عصر تزئینات گیاهی تحت تاثیر سبک های چینی که به ایران راه یافته بود، کم کم به طبیعت گرایی نزدیک شد. در اکثر موارد هنرمندان سعی داشتند تزئینات گیاهی را بصورت تکثیر یافته

ای در کنار هم قرار دهند و آنها را بصورت پیچک و در جریان اتصال خطوط به مدیگر و نیز در زمینه عناصر تزئینی دیگر همچون کتیبه ها بکار گیرند. ولی در مواردی استفاده از این نقش مایه ها بصورت انفرادی و مجزا نیز در بنای گنبد سلطانیه دیده می شود.

آرایه های هندسی - نقوش هندسی که از دیرباز مورد توجه ایرانیان در خلق آثار پرشکوهشان بود از قرن پنجم هجری به اهمیت خاصی رسید. شاید دلیل آن سازگاری و هماهنگی آن با قالب ها و اشکال اجری مورد استفاده در بناهای این دوره باشد. این اشکال که از نوع زیادی همچون مستطیل، مربع، مثلث و لوزی و ... برخوردار بودند تحریک پذیری فراوانی را در برداشتند. به گونه ای که امکان استفاده از آنها را در بسیاری از مکانها ممکن می ساخت. برای نمونه در کتیبه های کوفی موجود در سلطانیه که اغلب به دوره اول تزئینات بر می گردد. شاهد حروفی هستیم که انتهای آنها به شکل زیبایی به صورت هندسی ترسیم شده است. شاید بتوان در جای جای گنبد سلطانیه از تزئینات کاشی کاری گرفته تا مشبک های سنگی، بکارگیری این نقوش را پی گیری کرد. نقوشی که به طرز استادانه ای بکار گرفته شده اند.

تزئینات کتیبه ای - خط بنا بر ظرفیت های گوناگون خود اعم از انعطاف پذیری و بار معنوی پیام رسانی، غیر قابل اجتناب ترین تزئین در معماری اسلامی بشمار می آید که اطلاعات زیادی از تاریخ احداث بنا، نام بانی یا حامیان آن و اعتقادات مذهبی و دینی و نموده های فرهنگی یک عصر را به ما منتقل می کند.

عناصر معماری - عناصر معماری، موضوعاتی هستند که در اصل مفهوم ساختمانی دارند. این اجرا غالباً وظیفه طرحهای تزئینی را بر عهده گرفته و وسایل صرفاً تزئینی گردیده اند. ستونها، سر ستونها، پایه ستونها و مقرنس ها از این جمله اند شاید از موارد ذکر شده هیچکدام به اندازه مقرنس در تزئینات معماری ایرانی مورد استفاده قرار نگرفته

باشد. اصولاً مقرنس قسمتی از طاق است که در دوره های پیشین مورد استفاده ساختمانی داشته است و در سه کنج ها و طاقبندها به کار می رفته است. در تزئینات مربوط به گنبد سلطانیه از عناصر معماری از جمله مقرنس به کرات استفاده گردیده است.

تصاویر انسانی و حیوانی - شاید نادرترین عناصر تزئینی در معماری اسلامی ایران علی الخصوص در بناهای مذهبی و دینی، اینگونه مضمونها باشد. این موضوعات که در تزئینات قبل از اسلام مخصوصاً دوران ساسانی مورد توجه بسیار بوده و در بناهای زیادی مورد استفاده قرار گرفته است، با گسترش اسلام و با مکروه شدن نقاشی از رونق افتاده و عملکرد خود را در تزئینات معماری از دست داده است. در بررسی های گنبد سلطانیه اثری از بکارگیری تزئینات انسانی یا حیوانی مشاهده نشده است. لیکن در این زمینه بدون پایان تعمیرات و لایه برداری تزئینات نمی توان نظر قطعی ارائه داد.

#### نقوش اسلیمی:

از نظر تاریخی اسلیمی بصورت گیاه از تصویر تاک سرچشمه گرفته است که در آن پیچیدگی و درهم فرورفتگی برگها و ساقه ها شاخه ها با سهولت به قابل انتزاعی شدن بصورت های پیچیده و درهم است. چند نقش تزئینی بناهای اسلامی از جمله سلطانیه به این نوع تزئین پرداخته شده است، که در کنار کتیبه های خط زینت بخش قسمتهایی از بدنه های داخلی گنبد می باشد. باید به این مسئله توجه نمود که اسلیمی به هیچ عنوان بنوع گیاه نمی پردازد بلکه بیشتر جنبه انتزاعی و خلاصه شدن را آشکار می کند و این سبک در واقع کهن تر از نوع نزدیک به طبیعت آن است. تزئینات انتزاعی از این گونه در میان آثار مردم بیابانگرد آمده از آسیای میانه که در آغاز قرون وسطی بر اروپا تاختند رواج داشته است. آنچه به اصطلاح هنر جانورنگاری معروف است از سکاها و سرمتها

سرچشمه گرفت و در هنر بیانگردان تا قرون وسطی ادامه یافت و سراسط متضمن شکلهای دوپیچ و با گردش متناقص (بین و یانگ) می باشد، که همواره نمایانگر هماهنگی های کیهانی با انحنای سفید و سیاه همه و همه متضمن یک امر واحد می باشند را در هنر تزئینی در صور گیاهی بیشتر خطوط ساده و هماهنگ می رسد.

یک نقش اسلیمی گیاهی که در شیوه انتزاعی گری مبالغه کرده باشد هیچ تشابهی با گیاه ندارد ولی جلوه ای است کامل از قواعد، هماهنگی در برابر دیدگان، شاخ و برگها و نقشهای پیچاپیچ مستمر آن مانند موجی است در مراحل گوناگون نوسانی، این نقش با آنک متقارن نیست ولی تکرار منظم آن به آن هماهنگی می دهد و در عین اینکه نقوش اسلیمی مانند آهنگ و وزن جلوه می کند آشکارا پیوند اصلی خود را با طبیعت نگه می دارد و فضایل گیاه مانند آن در فرصتهای مناسب جلوه می کند. صفت یا عامل دیگر یک نقش اسلیمی همانا پیچیدگی و در هم فرورفتگی آن است که نمونه کامل آن در بناهای تاریخی ایران می توان مشاهده نمود. به گفته بعضی از مورخان هنری گردشهای نقوش اسلیمی برگرفته شده از نقوش موزاییک رومی است که در زمان امویان هنوز در سوریه رایج بود، اما در حقیقت نقوش رومی مانند موتیفی کلی وابسته به هنر کهن یونانی و رومی است و به زبان سمبولیک پیوستگی دارد ولی نقوش اسلیمی موتیفی است که با علم ریاضی گسترش داده شده است. شکلهای پیچاپیچ اسلیمی معمولا از یک یا چند شکل منتظم پرداخته می شوند که در انحنایها و دوایر افتند و به نقش ستارگان چند پر در می آیند و این به این معناست که تناسبات وابسته به یک نقش در سطح گسترش طرح تکرار می شود. (تساویر ۲۷ و ۲۸) / ۲۶ و ۲۸

**تزئینات چوبی:**

چوب در ایران از ابتدای شروع تاریخ در ایران مرسوم بوده است و این مسئله را می توان از کتیبه هایی که از خزانه داریوش در تخت جمشید بدست آمده استنباط نمود.

در دوره معماری ایلخانان نیز از چوب چه در قسمت معماری و چه در قسمت تزئینات استفاده شده است. استفاده از چوب در معماری به صورت کلافهای چوبی که در میان دیوارها قرار می دادند و جهت جلوگیری از رانش آنها به یکدیگر متصل می کردند رواج داشته است که این اقتباسی از نحوه معماری رومیان و به روایتی دیگر معماری یونانیان بوده است که در دوره های گذشته به خدمت معماری ایران درآمده است.

در قسمت تزئینات نیز باید از نرده های چوبی مثبت کاری شده که در قسمتهای میانی دارای گره چینی هندسی می باشند نام برد. این نرده ها از چوب ساج ساخته شده است و بنابر مستندات و متون تاریخی از کشور هندوستان به صورت تحفه و هدیه جهت گنبد سلطانیه به کشور ایران آورده شده است.

قابل توجه است که این نرده های چوبی بدون استفاده از آلهای فلزی و میخ و فقط با زبانه های چوبی بر روی یکدیگر سوار شده اند. (تصویر ۲۹)

### تزئینات نقاشی رنگی:

آنچه که در گنبد به گونه ای اساسی می تواند مورد توجه واقع شود، استفاده منطقی از ترکیب رنگهاست که ذکر نمونه هایی از آن در بخش های گذشته به میان آمد. در جای جای سطوح تزئینی دوره دوم گنبد و به همراه تکنیک های مختلف می توان نقوشی را ملاحظه کرد که به روی گچ نقاشی شده است نقش رنگ آمیزی در اجرای کلیه کتیبه ها نیز مورد توجه بوده است بطوریکه اغلب آنها در سطوح جانبی ایوانها و کتیبه های فوقانی گنبد تنها بوسیله رنگ نگاشته شده اند. ترکیب کلی این تزئینات به رنگ های سفید، آبی، قرمز، قهوه ای، طلائی، سبز، سیاه و زرد با تونالیت های گوناگون بکار رفته است

ظاهرا این طور به نظر می رسد که پیش از رنگ گذاری و اجرای طرحها، آنها را بوسیله مداد بر روی سطح گچی پیاده و قلم گیری می کردند (تصویر ۳۰)

#### مقرنس در گنبد سلطانیه:

مقرنس یک عنصر تزئینی در خدمت معماری می باشد و در عین حال جهت تبدیل پلان مربع شکل به دایره در گذشته های خیلی دور مورد استفاده فراوانی داشته است. این از نبوغ ایرانیان در معماری برای اولین بار به معماری جهانی عرضه گردید. در گنبد تاریخی سلطانیه مقرنس هم عامل تزئین است و هم عنصری در خدمت معماری به شمار می آید. مقرنسهای تزئینی که در نهایت با عناصر و موتیفهای گچبری شده زیبایی دو چندان پیدا کرده اند.

طبقات دوم تشکیل یکنمای زیبا و بدون نقص را داده اند در صورتی که مقرنسهای نوع دوم پاکار گنبد پلان ۸ را به ۱۶ و ۳۲ و ۶۴ بعد به دایره تبدیل نموده اند و علاوه بر خاصیت تزئینی بفرم معماری نیز کمک نموده اند. در این گونه مقرنسا نیز از عناصر تزئینی گچبری شده استفاده گردیده است. (تصویر ۳۱)

#### تزئینات سنگی:

جدا از بکارگیری دو ردیف سنگ تراش دارد بر روی پی ها که در پلان تمامی قسمت ها دیده می شود و بیشتر کاربرد ساختمانی دارد تا جنبه تزئینی تنها یک مورد استفاده از سنگ را در گنبد سلطانیه مشاهده می کنیم. در ایوانهای خارجی بنا، کلیه دست اندازها (نرده ها) از سنگ هایی تشکیل شده است که به طرز بسیار زیبایی از عناصر هندسی حجازی شده اند بطور یقین، استفاده از سنگ در سات دست اندازهای خارجی بنا با فکر قبلی صورت پذیرفته است چرا که مصالحی مانند چوب، با توجه به شرایط جوی منطقه از دوام بسیار کمتری نسبت به سنگ برخوردار است.

این دست اندازها به دو شیوه اجرا شده اند. در شیوه اول طرحها پس از انتقال بر روی سنگ به عمق تقریبی یک سانتیمتر حجاری شده و سپس در محل مورد نظر نصب گردیده است. در شیوه دوم، پس از انتقال طرحها بر روی سنگ، اجزا هندسی طرح کنده کاری و به صورت مشبک درآمده است. این مشبک کاری سنگی تا آن زمان در نوع خود بی نظیر بوده است.